

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آیت اللہ سید محمد مهدی میر باقری

رزق‌های محرم (۳) - محبت
آیت الله سید محمد مهدی میرباقری

تعداد جلسات: ۶ گفتار

تاریخ جلسات: محرم سال ۱۳۹۹

مکان جلسات: حرم مطهر حضرت معصومه

تنظیم گفتارها از سایت <https://mirbaqeri.ir>

گردآورنده: حجت الاسلام خواجه احسنی

صفحه آرایی: محمد فقیهی

فهرست اجمالی

- گفتار ۱: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۱) ۹
- گفتار ۲: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۲) ۲۱
- گفتار ۳: راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلا سیدالشهداء نزدیک‌ترین راه
رسیدن به محبت الهی ۳۳
- گفتار ۴: راه‌های رسیدن به محبت الهی: دعا و محبت اولیاء ۴۳
- گفتار ۵: ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین ۵۱
- گفتار ۶: سیر بابای سیدالشهداء راه نزدیک وصول به مقام محبت ... ۶۱

فهرست تفصیلی

گفتار ۱: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۱) ۹

وجود رزق‌هایی در عالم دنیا برای انسان ۱۱

رزق‌های ویژه در بعضی ایام ۱۳

محبت یکی از رزق‌های ویژه ماه محرم ۱۴

طوع و معیت، آثار محبت به خدا و اولیای الهی ۱۷

گفتار ۲: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۲) ۲۱

محبت، بالاترین مقام یک مخلوق ۲۳

دسته ی اول: قوما عبدوا الله رغبة ۲۴

دسته ی دوم: قوما عبدوا الله رهبة ۲۴

دسته ی سوم: قوما عبدوا الله حبا ۲۶

الحب فی الله یکی از نتایج رسیدن به مقام محبت الهی ۲۹

گفتار ۳: راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلا سیدالشهداء نزدیک ترین راه

رسیدن به محبت الهی ۳۳

تولی و تبری اصلی ترین نتیجه محبت الهی ۳۵

تداوم حمد الهی یکی از راه‌های رسیدن به مقام محبت ۳۶

حضرت ابراهیم الگوی محبت الهی ۳۷

بلا ی سید الشهداء نزدیک ترین راه محبت الهی ۳۸

گفتار ۴: راه‌های رسیدن به محبت الهی: دعا و محبت اولیاء ۴۳

خلاصه جلسه قبل ۴۵

دعا یکی از نزدیک‌ترین راه‌های محبت الهی ۴۶

یگانگی محبت به امام و محبت به خدا ۴۸

امام، صراط مستقیم الهی ۴۹

گفتار ۵: ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین ۵۱

خلاصه جلسات قبل ۵۳

ارتباط مالی بین مومنین ۵۴

مناسک داد و ستد با خدا ۵۷

گفتار ۶: سیر بابای سیدالشهداء راه نزدیک وصول به مقام محبت ۶۱

محبت، رزق نهائی ۶۳

آثار محبت اهل بیت ۶۵

گفتار
۱

مقام محبین، آثار و نتایج محبت
الہی (۱)

در این سخنرانی ابتدا استاد میرباقری با اشاره به آیات سوره آل عمران می فرمایند در عالم دنیا دعوت های ورزقهایی برای انسان وجود دارد و انسان باید به گونه ای خویش را تربیت کند که آمادگی دریافت و اجابت این دعوت ها را داشته باشد. سپس با اشاره به صلوات وارده بعد از زیارت آل یاسین، میگویند خداوند متناسب با هر کدام از قوای متعدده ی ما رزقهایی آماده کرده اند و ما باید سعی کنیم این رزقها را دریافت کنیم و این رزقها در بعضی از ایام به صورت ویژه به مومنین می رسد که یکی از این ایام محرم است.

در قسمت بعدی، با توجه به روایت وارده از امام رضا در کتاب امالی شیخ صدوق مشخص می شود ماه محرم یکی از ایام ویژه در سال است که سفره ی بعضی رزقها پهن است. در باب رزق بکاء در سال پیش صحبت شد و این سخنرانی فتح بابی برای یکی دیگر از رزقهای مخصوص ماه محرم یعنی رزق محبت است.

در ذیل بحث محبت، با نگاهی به سوره توبه که در آن صف بندی بین کفار و منافقین و مومنین آشکار و علنی می شود، با تمرکز روی آیه ی ۲۴ این سوره، محبت به عنوان یکی از اصلی ترین وجوه تمایز این سه جبهه معرفی می شود. سیر در وادی محبت به گونه ای است که انسان ابتدا محب خداوند و اولیای او می شود و سپس به خلوص در محبت می رسد تا جایی که تدریجا به این مقام الحب لله و البغض لله می رسد و همه محبتش می شود برای خدا و سپس این محبت از قلب انسان منتشر به اعضا و جوارح شده و همه اعضای انسان وارد وادی محبت میشود و همه اعمالش می شود اعمال محبین و به احسن النیات و احسن الاعمال می رسد.

در پایان نیز استاد با اشاره به شان نزول آیه ۶۹ سوره نساء و روایتی نقل شده از مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان به یکی از آثار محبت که مقام معیت است می پردازند



وجود رزق‌هایی در عالم دنیا برای انسان

خدای متعال در فرصت دنیا فرصت‌های اختصاصی برای ما فراهم می‌کند که می‌تواند در آن تصمیم‌های بزرگ گرفت که خیلی بزرگان تصمیمات را در آن گرفتند. زیارت رجبیه در اولش آمده است که لبیک داعی الله که گویا حضرت یک دعوت کننده از طرف خدای متعال هستند که ما را دعوت می‌کنند و ما اجابت می‌کنیم. در عالم دعوت‌هایی است که انبیا و اولیا آمده‌اند و در ایام خاص دعوت‌های خاص است که مثلاً در ماه رجب منادی از آسمان هفتم دعوت می‌کند. دنیای پر سر و صدای کنونی ما باید به گونه‌ای تربیت شویم که این نداها را بشنویم. آمده است که انسان وقتی از خواب برمی‌خیزد به ستاره‌ها نگاه کند و این آیه‌های سوره آل عمران را بخواند: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ**. این اولوالباب را توضیح می‌دهد که کسانی هستند که خوابشان هم مقام ذکر است. کسانی هستند که می‌گویند **رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا**

وَتَوْفَّقْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ما آن‌ها را شنیدیم و اجابت کردیم و ۴ توقع از خدا میکنند. گناهان ما را ببخش بدی‌های ما را بپوشان و ما را با ابرار بمیران.

ما انسانها نیازهای فراوان و قوای فراوانی داریم و از طرفی رزقهای فراوانی هم هست. برای هر کدام از قواهای ما خداوند رزق‌هایی معین کرده است که ما باید سعی کنیم که این رزقها را دریافت کنیم. خیلی وقتها رزقها از عالم بالا میاید و ظرف ما نمی‌تواند آن رزق را دریافت کند. در مقدمه کتاب معراج السعاده آمده است که خیلی از انسانها خودشان را در حد غریاض اولیه می‌شناسند در حالی که انسان دارای قوای فراوان است و برای هر کدام از این قواها رزق‌هایی معین شده. زیارت آل یاسین زیارت ویژه‌ای است که امام رضا گفتند اگر میخواهید به ما متوجه شوید با این زیارت متوجه شوید. بعد از این زیارت صلواتی هست که گویا جزئی از زیارت هم هست و باید خوانده شود. در ابتدای این صلوات اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُوْرِكَ وَاَنْ تَمْلَاَ قَلْبِیْ نُوْرَ الْیَقِیْنِ وَصَدْرِیْ نُوْرَ الْاِیْمَانِ وَفِکْرِیْ نُوْرَ النَّبَاتِ وَعَرْمِیْ نُوْرَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِیْ نُوْرَ الْعَمَلِ وَلِسَانِیْ نُوْرَ الصِّدْقِ وَدِیْنِیْ نُوْرَ

الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ
الْمُؤَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ببینید همه قوای ما در این عالم
رزق دارند که اگر در پرتو کلمه نور الهی یا همان نبی اکرم (وَكَلِمَةِ نُورِكَ
) قرار گرفتیم همه قوای ما نورانی میشود.

رزقهای ویژه در بعضی ایام

خدای متعال برای قلب و گوش و چشم ما سفره ای پهن کرده
است که بعضی از این سفره ها سفره ای خاص هستند مثل ماه رجب
و شعبان و رمضان. یکی از این سفره ها ماه محرم است. یک رزقهایی
در ماه محرم تقسیم می شود که در ایام دیگر نیست و یک دعوت
خاصی در ماه محرم است و هرسال که محرم تکرار میشود گویا
دعوت امام حسین تکرار میشود و لذا است که اوضاع عالم دگرگون
می شود.

روایت را در امالی از وجود امام رضا نقل شده که: ان المحرم شهر
كان اهل الجاهلية يحرمون فيه القتال فاستحلّت فيه دماؤنا وهتكت
فيه حرمتنا وسبيت فيه ذرارينا ونسائنا واضرمت فيه النار في مضاربنا
وانتهب ما فيها من ثقلنا ولم تُرْع لرسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم
حرمة في امرنا ان يوم الامام الحسين عليه السلام اقرح جفوننا واسبل

دموعنا واذلّ عزیزنا فعلی مثل الامام الحسین علیه السلام فیک
الباکون فان الباک علیه یحط الذنوب العظام.

ماه محرم ماهی است در دوره جاهلیت هم جنگیدن حرام بوده
است. در این ماه خون ما را حلال دانستند و در امر ما هیچ حرمتی
برای نبی اکرم قائل نشدند. روز امام حسین پلکهای ما را مجروح کرده
است و تا روز قیامت برای ما غصه و اندوه آورده است.

این روایت را برای این بخش خواندم. ثم قال علیه السلام کان ابی
اذا دخل شهر المحرم لایری ضاحکاً وکانت الکابة تغلب علیه فاذا کان
یوم العاشر کان ذلک الیوم یوم مصیبتہ وبکائه.

در بحار نقل شده امام سجاد وقتی به مدینه برگشتند اول مدینه
یک سخنرانی برای مردم داشتند که اگر جد ما سفارش میکرد ما را
اذیت کنند بیش از آنچه انجام دادند امکان نداشت.

محبت یکی از رزقهای ویژه ماه محرم

در چند سال پیش چند مورد از رزقهای ماه محرم را گفتم. یکی از
رزقها بکاء و اشک بود.

یکی دیگر از رزقهای ویژه ی ماه محرم رزق محبت است. روایت
در خصال صدوق میگویند از قول نبی اکرم که : مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ

الْأَيُّمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، فَلَا يَشُكَّنْ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ. اگر کسی رزق محبت به ائمه ی اهل بیت من را خدای متعال به او روزی کند ، به خیر دنیا و آخرت می رسد. و کسی تردید نکند که این چنین آدمی وسط بهشت است. علامت بهشتی بودن این محبت است و رزق بهشتی است. بعضی رزهای بهشتیان را خدا به جهنمیان هم میدهد.

یکی از این رزقهای مخصوص اهل بهشت، محبت اولیای خدا و خداست. اگر کسی به مقام محبت رسید به تدریج به نقطه ای میرسد که اخلاص در محبت می رسد و در این مقام فقط خداوند متعال را دوست میدارد. اول انسان به مقام حب الهی می رسد و قدم بعد محبت اولیای خدا و تدریجا به این مقام می رسد که الحب لله و البغض لله. همه محبتش می شود برای خدا. می شود انسان در همین ایام کاری کند که وقتی این ایام تمام شود آثار محبین در او ظاهر شود.

اول نکته این است که ما حتما باید در مقام محبت برسیم و حداقلش این است که حب الهی در نسبت به بقیه ی حب های ما غلبه داشته باشد. خداوند در اول سوره توبه میگوید که صف بندی را با کفار رسمی کنید. این اعلام برائت و درگیری علنی هم مخصوص زمان

نبی اکرم نیست و در طول تاریخ می شود. با اعلام این درگیری سه صف ایجاد می شود. صف مومنین صف مشرکین و صف منافقین. در این سوره خصوصیات این سه دسته توضیح داده شده است. نکات و تذکراتی در این سوره است که انسان را تربیت میکند برای همراهی حضرت یکی از این نکات که خیلی هم خدا سفت و سخت بیان می کند.

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اقتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ
اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

اگر همه اینها را از خدا و رسولش و جهاد در راهش بیشتر دوست دارید می گوید منتظر بمانید تا امر خدا در باره شما صادر شود و انتهای آیه را نیز مبهم گذاشته است. منتظر باشید تا امر خدا در مورد شما محقق شود. مرحوم فیض میگویند که قَلَّ مَنْ يَتَخَلَّصُ عَنْهُ. خیلی خدای متعال در این آیه سخت گرفته است و کم اند کسانی که از این آیه جان سالم به در ببرند. اگر میخواهیم در این صف بندی در جبهه مومنین باشیم باید به جایی برسیم که خدا و رسول اکرم و جهاد در راه

خدا را از همه بیشتر دوست بداریم.

طوع و معیت، آثار محبت به خدا و اولیای الهی

در تفسیر مجمع البیان، مرحوم طبرسی ذیل آیه ۶۹ سوره نساء روایتی را در شان نزول آیه نقل میکنند که حضرت یک صحابه آزاد شده ای داشتند که خیلی به حضرت علاقه مند بود. حضرت روزی دیدند بیماری در چهره او ظاهر است و پرسیدند که آیا بیمار هستی؟ گفت که خیر، علت این حالت در من کثرت محبت شماست. من چند روزی است که به این فکر میکنم پس از قیامت اگر جهنمی باشم که الی الابد شما را نمی بینم و اگر بهشتی هم باشم مقام ما با شما تفاوت دارد. نمی توانیم در محضر شما باشیم و از زیارت شما محرومیم. این آیه نازل شد که اگر میخواهید از زیارت رسول خدا محروم نباشید آیه وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

وقتی این آیه نازل شد مرحوم طبرسی نقل کردند که: لَا يُؤْمِنَنَّ أَحَدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَآبَوَيْهِ وَاهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.

پس ما باید برسیم به مقام محبت و اگر هم رسیدیم آثاری دارد که یکی از آنها همراهی و معیت است. در سفینه البحار ذیل ماده محبت

محدث قمی می‌گویند که بادیه نشینی نزد حضرت آمد و گفت قیامت کی به پا میشود؟ حضرت نگفتند که قیامت کی است ولی گفتند تو برای قیامت چه کردی؟ جواب داد که من کثیر الصوم و الصلاه نیستم لکن شما را دوست دارم. حضرت فرمودند الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. انسان در دنیا و برزخ و قیامت با کسی است که او را دوست می‌دارد. انسان اگر به مقام محبت الهی رسید همیشه با اوست. اگر کسی به مقام محبت الهی و محبت اولیای خدا رسید دائم الحضور میشود. اگر به تدریج این محبت از قلب انسان منتشر به اعضا و جوارح شد همه اعضای انسان وارد وادی محبت میشود و همه اعمالش می‌شود اعمال محبین و به احسن النیات و احسن الاعمال می‌رسد. می‌شود جزء کسانی که المتحابون فی الله. همه دوستیها و داد و ستدهایش در راه خدا میشود.

از رزق‌های خصوصی ماه محرم مقام محبت است. اگر کسی جزئی محبین شد آرزو می‌کنند با همه وجود که در محضر سید الشهدا باشند. این عبارات سنگین در زیارت ناحیه مقدسه هم همین است. فَلَيْنَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا فَلَا نَذْبُكَ صَبَاحًا

وَمَسَاء. انسان اگر به مقام محبت رسید به جایی میرسد که آرزو میکند
ای کاش آنجا بودم. حضرت امام رضا در حدیث ریان ابن شیب می
گوید که هر موقع یاد سیدالشهدا کردی آرزو کن که یا لیتنی کنت
معکم.

السلام علیک یا ابا عبد الله...

گفتار
۲

مقام محبین، آثار و نتایج محبت الہی (۲)

در جلسه‌ی پیش بحث استاد پیرامون رزقهای معنوی ماه محرم بود که به رزق محبت الهی به عنوان یکی از رزقهای خاص خدا برای اولیایش اشاره شد. در این جلسه ابتدا با رجوع به بیانات امیرالمومنین (ع)، مومنین بر حسب نوع عبادتشان به سه دسته تقسیم شده اند. **إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.** سپس با بررسی تفصیلی مقامات هر یک از این سه دسته مشخص می شود که ذکر دو دسته ی اول نیز مدح است نه مذمت. سپس استاد به بررسی دسته سوم که عبدوا الله شکرا یا حبا هستند می پردازند. به عنوان یکی از اصلی ترین مقامات این دسته محبت بودن و شیدایی آنها مطرح می شود که همه ی زحمت را می کشند و همه داشته هایشان را با دست و دلبازی می دهند ولی باز در ته قلبشان یک خوفی است و از اینکه عملشان متناسب با محبوب نیست و «قلوبهم وجله». جایگاه چنین افرادی در قیامت رضوان الهی هست و خدای متعال به آنها مقام رضوان می دهد. این مقام «رضی الله عنهم و رضو عنه» است. مقامی که همانطور که آنها خدا را دوست می دارند خدا هم آنها را دوست می دارد. به عنوان نکته‌ی پایانی این جلسه «الحب فی الله» به عنوان یکی از نتایج عبادت دسته سوم معرفی می شود و این مقام که مقام محبت واقعی به مومنین و تمام عالم است تشریح می گردد که مقام «المتحابون فی الله» هست.



محبت، بالاترین مقام یک مخلوق

من احبکم فقد احب الله. عرض کردیم یکی از رزقهای خاص خدا برای اولیایش رزق محبت الهی است. خدای متعال برای ما این امکان را قرار داده است که از تعلق غیر خدای متعال آزاد شویم. و از آن بالاتر به ما اجازه داده که محبت های دیگر به کلی از وجود ما خارج شود و ما مستغرق در محبت الهی شویم.

روایات اهل بیت ما را تشویق کرده که انسان خدای متعال را دوست بدارد و این محبت به اعضا و جوارحش منتشر بشود و فقط خدای متعال را دوست بدارد. مرحوم فیض در رساله اذکار القلوب بیان میکنند که بالاترین مقامی که برای مخلوق ممکن است همان مقام محبت الهی و خلوص در محبت است. باقی مقامات از فروع این مقام است. مثل مقام رضا. اینکه انسان راضی بشود به قضای الهی و تدبیر خدا از آثار محبت است.

اگر انسان به این مقام رسید همه اعمالش برای خدای متعال می شود و این همان احسن النیات است. در دعای مکارم الاخلاق

حضرت میگویند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَهِ بَيْنَتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

در بیان معصوم آمده است که عباد الله سه دسته اند. عبدو الله رغبه، عبدوالله رهبه، عبدوالله حبا یا شکرا.

دسته ی اول: قوما عبدوا الله رغبه

عده ای خدا را به خاطر ثوابها عبادت می کنند. این ثواب الهی می تواند دنیایی و می تواند اخروی باشد. این عبادت عبادت خوبی است ولی عبادت تجار است ولی تجار موفق هستند. تاجر موفق کسی هست که با خدا تجارت میکند. فَاسْتَبَشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ.

دسته ی دوم: قوما عبدوا الله رهبه

دسته ای دیگر عبدوالله رهبه. خدا را از روی خوف عبادت میکنند. این مذمت نیست و این هم مدح است. اینها هم بندگان خدایند منتهی عبید هستند و مثل بنده ها هستند. این روایات مذمت هم نیست و مدح است. در خود کتاب قرآن خدای متعال برای اعمال ما ثمراتی ذکر میکند. اگر قطع رحم کنید عمرتان کوتاه می شود. این روایات چرا این ثوابها و عقوبتها را ذکر میکند؟ اگر بنا بود بد باشد که ما برای بهشت و

ثواب کار کنیم معنا نداشت که ما را ترغیب کنند به این کار. برای بهشت کار کردن کار بدی نیست و اتفاقاً خیلی مقام بالایی است که انسان از تجارت با بندگان خدا آزاد شود و به تجارت با خدا مشغول شود. از دنیا آزاد شود و مشغول آخرت شود. این انسان فهمیده است که همه چیز را خدا میدهد و مشرک نیست و عبد است. انسان از خدای متعال بترسد کم است؟؟ *فَإِيَّ فَارْهَبُونَ*. انما یخشی الله من عباده العلماء. برای اینکه مبادا خدای متعال به او ضرری بزند می ترسد و گناه نمی کند. در بعضی روایات آمده است که بنده یک گناهی میکند و خدا میگوید دیگر پرونده ات بسته شد و دیگر خیری به تو نمی رسد. گفته اند گناهی که خشم خدا در آن نهفته است بین گناهان پنهان است لذا هیچ گناهی را دست کم نگیرید. کار نیکی هم که خوشنودی خدا در آن است بین کارهای نیک پنهان است فلذا هیچ کار نیکی را هم دست کم نگیرید.

بد است انسان از خداوند متعال بترسد و به خاطر عقوبتهای دنیایی و اخروی خداوند را عبادت کنیم؟ ما گاهی از برخورد در به هم میترسیم. از حشرات می ترسیم. بد است از خدای متعال بترسیم؟

ولی این عبادت هم عبادت عالی نیست. مزد نمی‌خواهند ولی خائف هستند.

دسته‌ی سوم: قوما عبدوالله حبا

بندگانی از بهشت و جهنم هم عبور کرده‌اند. بهشت از جاهایی است که همه چیزش نورانی است و همه بنده‌اند و هیچ چیزش غفلت نیست. عده‌ای عبد ممتازند. بهشت و جهنمشان را می‌بینند و با هم عظمتش درک کرده‌اند ولی خداوند را حبا یا شکرا عبادت می‌کند.

کسی از امیرالمومنین سوال کرد از انبیای بنی اسرائیل داود است که به خاطر ترک اولایی که داشت وقتی مشغول عبادت می‌شد کوهها مسخر او بودند و با او تسبیح می‌گفتند. پیامبر شما چه دارد؟ حضرت فرمودند پیامبر ما ترک اولی هم ندارد ولی وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد صدای جوشش قلبش مثل دیگ روی اجاق شنیده می‌شد.

قدمهای حضرت از عبادت ورم کرده بود. انقدر عبادت کرد که آیه آمد طه . مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ. به حضرت عرض کردند: شما که مأمون از هر عقوبتی هستید و درجات بهشت تان قطعی است. حضرت فرمود «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» (۴) من بنده شاكر خدا نباشم؟!

اینکه انسان خالص شود و بتواند برای خدا کار بکند باید روزنه‌ی

قلب انسان به سوی محبت الهی باز شود و به تدریج این محبت به قلب مستولی شود و از قلب به اعضا منتشر شود. همه وجودش می شود وجود محبت و هرکاری بکند در وادی محبت است و هرکاری بکند عبادت است و افضل عبادات هم هست. فرمود خواب با یقین بهتر از عبادت با شک است. در اعمال شب عید قربان احیا آمده است و اعمال زیادی هم ندارد. که سید ابن طاووس نکته ای می گویند. می فرمایند اگر کسی در مقام بندگی خدا بود و خسته شد و خواهید که توانایی برای عبادت خدا پیدا کند این خواب هم احیا به حساب می آید. عده ای خداوند خوابشان را هم عبادت حساب کرده است. الذین یذکرون الله قیاما و قعودا.

قرآن می فرماید اولیای الهی اینگونه اند. همه ی زحمت را می کشند ولی ته قلبشان یک خوفی است و می گوید این عمل متناسب با خدا نیست. شیر روزند و راهب شب. مواظبتند شبشان تلف نشود و روزشان تلف نشود اما قلوبهم وجله. چون می گویند این عمل متناسب با محبوب نیست. مقام محبین است که اللهم ان قلوب المخبتین الیک والهه. اگر کسی به امام رسید میشود مخبت. اگر کسی وارد

وادی ولایت امام شد نفسش می شود نفسی که این ۱۳ صفت را دارد. اللهم فاجعل نفسی مطمئنه بقدرک ...

مخبتین واله و شیدا هستند. شیدا یعنی کسی که غرق در محبت است و همه چیزش را فدا می کند ولی در محبتش باز خودش را بدهکار میدانند. انسانی که همه چیزش را در راه محبوب می دهد با دست و دلبازی هم میدهد و در عین حال خودش را هم بدهکار میدانند. خداوند مزدهای بزرگی هم برای محبین در نظر گرفته است. یکی از آنها و رضوان من الله اکبر. همه مقام های بهشت خوبند ولی مقامی هست که از لحاظ بزرگی با اینها قابل مقایسه نیست و کبریای الهی در آنجا ظهور دارد. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیرشان وقتی به اینجا می رسند می گویند این رضوان برای کسانی است که عبدوا الله حبا. آنهایی که برای بهشت کار نکردند در حالی که یقین به بهشت داشتند. خدای متعال به آنها مقام رضوان می دهد. مقامی که همانطور که آنها خدا را دوست می دارند خدا هم آنها را دوست می دارد. دو طرفه است. رضی الله عنهم و رضو عنه. آن وقت به جایی میرسند که محبت خدا به خودشان را می چشند و از این بالاتر لذتی در عالم نیست. نه در

دنیا و نه در آخرت. حتی در بهشت. لذا در روایت است که بهشتیان وقتی وارد بهشت می شوند سفره نعمت پهن می شود همه غرق در نعمت می شوند. آن وقت عده ای اولیای خدا هستند. اهل کرامت هستند و در درجات عالی بهشتند. خدای متعال به آنها مشرف می شود اولیائی اهل طاعتی. می خواهید درجه ای بالاتر از این به شما ارائه کنم؟ گویا انقدر برایشان غیر مترقبه است که سکوت میکنند. باز ندا از جانب خدا می آید. می گویند اگر بالاتر از این هم متصور هست ما طالبیم. اینجا پرده کنار می رود و وارد مقام رضوان میشوند. خدای متعال به آنها می گوید یک چیزی از همه بالاتر است. رضای عنکم و محبتی لکم. وقتی محبت خدا را میچشد می گویند حقیقتا این طور است.

الحب فی الله یکی از نتایج رسیدن به مقام محبت الهی

وقتی انسان به اینجا رسید نتایجی دارد. یکی اینکه دیگر محبتش نفسانی و ظلمانی نیست و الحب فی الله است. دوست می دارد در راه خدا، لذا هرچه بیشتر دوست می دارد به خدا نزدیک تر میشود. مومنین که به مقام محبت الهی می رسند اینگونه نیست که محبت به دیگران ندارند. اتفاقا محبت حقیقی را اینها دارند. انسان تا حب نفس

دارد که محبت ندارد. همه اش حب نفس است. انسان چون خودش را دوست دارد به رفیقش محبت می کند. کسانی که اهل نفس هستند و از وادی نفس عبور نکرده اند حقیقتاً همه محبت‌هایشان برای خودشان است. شیطان همینجوری هست و همه چیز را برای خودش می خواهد.

لذا این آدمها می شوند المتحابون فی الله. همه چیز را دوست دارند در راه خدا. همسر به همسر، فرزند به والدین، رفیق به رفیق همه همینجوری هستند. آن وقت روایات عجیبی در مورد اینها هست. فرمود وقتی اینها وارد قیامت می شوند نور اینها همه قیامت را روشن می کند. در قیامت و آن مواقف سخت از عرش ندا می رسد که این متحابون فی الله. یعنی کسانی که محبت خدا بر آنها غالب شده بود و به همدیگر هم به خاطر محبت خدا محبت می کردند. این مقامی بالاتر است. کسی ممکن است خدا را دوست می دارد ولی هنوز به مقامی نرسیده است که محبت به خدا تبدیل به محبت به بندگان شود. اما کسی مال برای مومنین خرج می کند آبرو خرج می کند. دلش برای مومنین تنگ می شود به خاطر محبت به خدا. فرمود اگر اینگونه

شد می شود زیارت خدا. دلتان برای یک مومن تنگ شد چون مومن است و بدون طمع رفتید به زیارتش، زیارت خدا به حساب می آید. به این متحابون فی الله می گویند بدون حساب و کتاب بروید داخل بهشت. المتحابون فی الله یعنی برای خدا به هم محبت می کنیم و برای خدا با دشمنان خدا دشمنی میکنیم.

پس بنابراین محبت الهی باید غالب بشود در وجود انسان و این تبدیل بشود به محبت بین مومنین. المتحابین فی الله. باید همدیگر را در راه خدا دوست بداریم و در راه خدا برای هم فداکاری بکنیم. ایثار بکنیم. نقطه مقابلش هم هست. باید بغض فی الله هم بکنیم. در راه خدا با دشمنان خدا دشمنی کنیم. اینها در عاشورای امام حسین است. انسان با عاشورای امام حسین به حب فی الله و بغض فی الله می رسد. یکی از مقامات سلوکی زیارت عاشورا هم همین است. انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم. این از آثار عاشورا است و اگر کسی می خواهد به این مقام برسد راهش عاشورا است و از رزقهای این ایام است. سر سفره امام حسین یکی از رزقهای خیلی عجیبی که تقسیم می کند رزق محبت به خداست. این از رزقهای ماه محرم است. آغازش هم از

اشک ریختن بر امام حسین است و گفتند اگر اهل بکائی هم نیستید
تباکی کنید و به زور از خود اشک بگیریدیم.
السلام علیک یا اباعبدلله...

گفتار
۳

راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلا
سیدالشهداء نزدیک‌ترین راه رسیدن
به محبت الهی

در جلسه قبل به این نکته اشاره شد که یکی از آثار محبت الهی برای محبین و کسانی که خدا را به خاطر محبت عبادت میکنند مقام المتحابون لله است. استاد در ابتدای این جلسه با اشاره به حدیث نورانی از امام باقر که می فرماید المرء مع من احب و همچنین حدیثی از پیامبر اسلام که در کتاب کافی آمده است به تفصیل بیشتر مقام المتحابون فی الله می پردازند.

در قسمت دوم سخنرانی مباحث استاد حول این پرسش می چرخد که چگونه می توان به مقام محبت الهی رسید؟ اولین مسیر که به آن اشاره می کنند تداوم در حمد نعمتهای الهی است. مسیر دوم الگو گیری از حضرت ابراهیم خلیل است که در این سخنرانی به دو ویژگی از این پیامبر اشاره می شود. اول اینکه انسان چیزی از دست غیر خدا نگیرد و به مقام بسم الله برسد و دوم اینکه دستی که به سمت انسان دراز شد را رد نکند.

در قسمت پایانی، استاد به یکی از اصلی ترین راهها برای رسیدن به محبت الهی که سلوک با بلای سیدالشهدا است اشاره میکنند. ایشان با بررسی متن سجده ی پایانی زیارت عاشورا، مقامات سلوکی تا رسیدن به مقام معیت یا همان محبت الهی را شرح می دهند و مقام ثبات قدم را به عنوان یکی از اصلی ترین مقامات قبل از مقام معیت معرفی میکنند..



تولی و تبری اصلی ترین نتیجه محبت الهی

من احبکم فقد احب الله. یکی از مراحل سیری که خدا برای انسان قرار داده مقام محبت خدای متعال است. اگر محبت الهی در قلب انسان ظهور کرد به تدریج از قلب انسان به سایر جوارح منتشر می شود و چنین انسانی می شود جزء بندگانی که ان قوما عبدوا لله شکرا. این انسانها به مرتبه عین الیقین می رسند و گویا بهشت و جهنم را در این دنیا می بینند ولی برای اینها کار نمی کنند و برای صاحب بهشت و جهنم کار می کنند. اینها در مقامی هستند که لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

یکی از نتایج مقام محبت الهی، الحب فی الله و البغض فی الله است که این جزو درجات بسیار عالیست. مقامی که انسان جزو المتحابون فی الله می شود. به نوعی محبت به همدیگر می رسند که در آن نفس نیست و برای خداست.

امام باقر می فرمایند: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا، فَانْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفَيْكَ خَيْرٌ؛

وَاللَّهُ يُحِبُّكَ، وَ إِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ؛ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

اگر دلت اهل طاعت را دوست دارد به خاطر اینکه اهل عبادت هستند بدان در تو خیری است و خدا تو را دوست دارد. اما اگر دیدی از اهل معصیت خوش می آید بدان هیچ خیری در تو نیست و خدا تو را دشمن می دارد.

وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. در کتاب ایمان و کفر کافی بابی هست که نبی اکرم از اصحاب سوال کردند: أَىَّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ کدام رشته های ایمان محکمتر است و به آن اطمینان بیشتر است؟ حضرت فرمودند الحب فی الله و البغض فی الله و توالی اولیاء الله و التبری من اعداء الله. انسان هرچه دوست دارد برای خدا دوست بدارد و هرچه دشمن می دارد برای خدا باشد. دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خدا محکمترین رشته ایمان است.

تداوم حمد الهی یکی از راههای رسیدن به مقام محبت

حالا چگونه می توان به مقام محبین رسید؟ یکی از راهها که راه همواری است این است که انسان نعمتهای خدا بر خودش را یاد کند و خدا به خاطر آنها حمد کند. و برای شکر همین الحمد لله هم کافی

است. اگر کسی همین رشته را ادامه دهد و خدا را به خاطر نعمتهایش شکر کند به مقام محبت می رسد. حتی خدا را به خاطر نعمتهایی که به دیگران داده است شکر کند. یکی از راههایی که حسد از دل انسان بیرون بشود همین است که نعمتهای بقیه را که انسان می بیند حمد خدا بگوید. اگر انسان این حمد را ادامه دهد کم کم جمال صنع خدا را به او نشان می دهند و غرق در جمال خدا می شود. مشغوله عن الدنيا بحمدک و ثنائک. البته این مداومت می خواهد. شکر و حمد الهی اگر کثرت پیدا کرد انسان به مقام محبت نزدیک می شود.

حضرت ابراهیم الکوی محبت الهی

حضرت ابراهیم خلیل الله غرق در محبت خدا است. ویژگی هایی در ایشان هست که انسان را وارد وادی محبت می کند. اولین ویژگی این است که از دست غیر خدا چیزی نگیرد. انسانی که بر هر دامنی سر بگذارد وابسته می شود. این به معنای این نیست که از اسباب استفاده نکند ولی چنین فردی در مقام بسم الله است و نیاز و فقر دارد و نیازهای خودش را از دست غیر خدا نمی گیرد. اگر کسی از دست غیر خدای متعال نگرفت وابسته به غیر خدا هم نمی شود. حتی اعظم وسائط که معصومین هستند هم ما آنها را واسطه می دانیم و آنها عبد

هستند. اگر انسان امام را رحمت موصوله و معدن رحمت الله دانست هم محبت معصومین در قلبش می آید و هم محبت خدای متعال. دومین ویژگی حضرت ابراهیم این است که هر حاجتی کسی ازش خواست اجابت کردند و دست احدی را رد نکردند. دستهایی که به سمت ما دراز می شود و ما باید برای آن دستها مال و آبرو و عمر و وقت و... خرج کنیم حواله های خدای متعال هستند. خدای متعال امکاناتی که می دهد حوالتهایی هم می فرستد که بلافاصله آن را خرج کنید. چون اگر خرج نکردید ضایع می شود و خود انسان را هم ضایع می کند. ما عندکم ینفد. کسی که در راه خدا اتفاق می کند خودش رشد میکند. اگر انسان حوالتهای خدا را تحویل گرفت نتیجه اش این است که خدا محبت خودش یا به تعبیر دیگر خودش را به او می دهد. اعلمو ان حوائج الناس من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم. به همین دلیل سیدالشهدا در اوج محبت است.

یکی دیگر از راههای رسیدن به محبت الهی نشست و برخاست با محبین است. کسی که در بازار عطر فروشها برود بوی عطر می گیرد. **بلای سید الشهدا نزدیک ترین راه محبت الهی**

اما یکی از نزدیک ترین راهها به محبت الهی راه عاشورا است.

بلای حضرت ظاهرش بلاست و باطنش محبت خدا. اگر انسان بلا را چشید و صابر و شاکر بود به محبت خدا می رسد. در بین همه ابتلائات، عاشورا آن بلای عظیمی است که نقطه جوشش محبت خدا نسبت به اولیا و خوبان است. همه اولیای الهی وقتی در وادی محبت کم می آوردند می رفتند در گودی قتلگاه. اگر کسی وارد بلای سیدالشهدا شد و مبتلا شد و سوخت در بلای حضرت و یحزنون لحزننا درهای محبت الهی به رویش باز می شود. حضرت به مِسْمَع کِردین که به زیارت سید الشهداء نمی توانست برود فرمود: یاد جدم میکنی؟ فرمود بلی یاد میکنم به نحوی که گاهی از خواب و خوراک میفتم و همه اهل خانه می فهمند که حالم عادی نیست. حضرت فرمود: تو از آنهایی هستی که با شادی ما شادند و با غصه ما غصه دارند. آدمی که اینگونه شد درهای محبت الهی به رویش باز می شود. یکی از نزدیک ترین راهها برای رسیدن به محبت، وارد وادی عاشورا شدن است. اگر کسی وارد وادی عاشورا و سفینه نجات حضرت شد و بیرون هم نیامد، مانند خود حضرت که به ایشان میگوئیم السلام علی ساکن کربلا به بالاترین درجه محبت الهی می

رسد. اگر کسی وارد وادی بلا شد و غرق در مصیبت سیدالشهدا شد
 اوج سلوکش در سجده زیارت عاشورا است «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ
 الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ». اگر اینگونه جزو شاكرين شد اوج سلوک
 با سید الشهدا است که مقام معیت است. مقام معیت هم همان مقام
 محبت است. المرء مع من احب.

انسان اگر وارد به وادی مصیبت سیدالشهدا شد خواب از
 چشمانش می رود و خوشی های دنیا از او گرفته می شود و به جایی
 می رسد که لَا تُدْبِنُكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً ولی باز هم خدا را شکر کرد به مقام
 ثبات قدم می رسد. وَ تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ
 أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مِهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به
 من مقام ثبات قدم بده. اصحاب امام حسین مزدشان محبت امام
 حسین بود. المرء مع من احب اگر کسی به وادی به کربلا رسید و سیر
 کرد با بالای سید الشهدا مزدش مقام محبت سید الشهدا است. اهل
 بیت و اصحاب وارد وادی بالای سیدالشهدا شدند و حاضر نشدند با
 هیچ عذری خود را کنار بکشند و تا آخرین لحظه در بالای سید الشهدا
 ماندند. آنهایی که آمدند در وادی بالای سید الشهدا و تا آخر ماندند

شدند جزء محیین. یک جمله که بوی گلایه از امام حسین بدهد از دهن یک طفل هم بیرون نیامد. یک آه نابۀ جا اهل بیت نگفتند و یک گله نکردند. در لَهوف آمده که صورتهای اهل بیت پوست انداخته بود در خرابه شام. نه شبها از سرما محفوظ بودند و نه روزها از گرما ولی باز گله نکردند.

صلی الله علیک یا ابا عبد الله...

گفتار
۴

راههای رسیدن به محبت الهی:
دعا و محبت اولیاء

این جلسه در ادامه جلسه قبل استاد به راههای تقویت محبت الهی در قلب انسان می پردازند. یکی دیگر از راههای افزایش محبت الهی در قلب انسان دعا کردن است. استاد با اشاره به بخش هایی از مناجات خمسہ عشر و همچنین دعای شریف ابوحمزہ این نکته را متذکر میشوند کہ دعا یکی از نزدیک ترین راهها برای رسیدن به محبت الهی است.

راه دیگری کہ بخش دوم سخنرانی خود به آن می پردازند محبت اولیای خداست. استاد در این بخش با دسته بندی مراتب ایمان میگویند کہ حقیقتِ ایمان، معصومین هستند و مرتبه ی ایمانی ما در اصل، حب الایمان است. در این بخش ایشان با اشاره به حدیث مفضل کہ ان الله يحب ان يعرف بالرجال و تفصیل آن با توجه به زیارت جامعہ کبیرہ، یگانگی محبت الهی و محبت معصومین را شرح می دهند..



خلاصه جلسه قبل

من احبکم فقد احب الله. در جلسات قبل اشاره شد که خداوند به ما ظرفیت رسیدن به مقام اخلاص در محبت را داده است. ما مفسور به محبت خدای متعال هستیم منتها در این دنیا انسان اختیار دارد که از آن مسیر روگردان شود و مبتلا به شرک و غفلت شود. ولی اگر استقامت در مسیر بکند در همین دنیا می تواند به مقام اخلاص در محبت الهی برسد. اگر کسی به این مقام رسید این ایمان و محبت الهی بر همه اعضای او منتشر می شود و همه اعمال او بوی محبت الهی میگیرد. همه اعمال مومن صبغه محبت دارد.

کسی که به محبت الهی رسید دیگران را برای خدا دوست دارد و می شود جزء المتحابون فی الله. حال چگونه میتوان به این مقام رسید؟ راههایی عرض شد. یکی حمد نعمات خدای متعال بود. دیگری اینکه انسان چیزی از دست غیر نگیرد. مورد بعدی اینکه انسان حوائجی که به سویش می رسد را اجابت کند و اتفاق کند در راه خدا.

دعا یکی از نزدیک‌ترین راههای محبت الهی

یکی از راههای دیگری که برای رسیدن به محبت الهی به ما تعلیم کرده‌اند مسیر دعا و درخواست است. یکی از بهترین راهها برای نجات از اخلاق رذیله و رسیدن به اخلاق حمیده دعا کردن است. نفس دعا کردن و نفس اظهار عجز در درگاه خدا کردن موجب تقویت محبت الهی در دل انسان می‌شود. انسان خدا را غنی ببیند و کریم ببیند و حوائج خودش را از او بخواهد سبب ایجاد محبت الهی می‌شود. ولی به خصوص در دعاها به ما تعلیم کرده‌اند که چگونه محبت خدا را از او بخواهیم. در بعضی از مناجات اصلا مناجات المحبین است. در مناجات خمسہ عشر است که اللهم انی اسئلك حبک و حب من یحبک و حب من یوصلنی الی قریبک. در دعای ابو حمزه هم مکرر آمده است که ما از خداوند درخواست محبتش می‌کنیم. اللهم املا قلبی حبا لک و خشیه منک... انسان هرچه محبتش به خدا بیشتر شود خشیت بیشتری پیدا میکند. اگر کسی به مقام محبت رسید ادامه محبت مقام فرق است. ترس جدایی پیدا میکند. محبین اشتیاق به قرب الهی دارند و اشتیاق به قرب الهی آنها را مشتاق به رفتن از دنیا میکند و انسان تا اینگونه نشود مسئله مرگ برایش حل نمی‌شود. انسان اگر خدا

را دوست بدارد مشتاق رفتن از دنیا و دیدار محبوب می شود.
از این دست دعاها زیاد داریم. در نامه به امام مجتبی امیرالمومنین
می فرمایند گنجها در اختیار خداست و کلیدش دست شماست.
کلیدش هم دعاست. یکی از اموری که انسان را به کمال می رساند
این است که اهل دعا باشد انسان. خیلی وقتها راه دعا از راه ریاضت و
زحمت کشیدن نزدیکتر است.

چون ما نیازهای فراوانی داریم و ظرفیت های فراوانی داریم و از
طرفی خداوند هم نعمتهای بی پایانی دارد. لذا اگر انسانی با معصوم
مانوس شد و با زبان آنها دعا کرد تدریجا پرده ها کنار می رود و هم
ظرفیتهای خودش را می بیند و گنجینه های بی منتهای الهی را هم
می فهمد.

در کافی شریف آمده ان المومن اذا تخلص من الدنيا سما. تا دنیا
قلب انسان را گرفته است انسان زمینگیر است. انسانی که محبتش
زمینی است باید این محبت از دلش خارج شود تا شیرینی محبت
خداوند را بچشد. تا انسان پر از دنیا است جایی برای محبت الهی در
دل انسان نمی ماند.

یگانگی محبت به امام و محبت به خدا

راه دیگر این است که اگر کسی به حب امام رسید این محبت همان عین محبت خداست. این حدیث در کافی آمده است که به امام صادق سوال کرد که آیا حب و بغض هم جزو ایمان است؟ حضرت فرمودند هل الایمان الا الحب و البغض و بعد هم این آیه را خواندند حُبِّ الْيَكْمِ الْاِيْمَانُ زَيْنُ فِی قُلُوْبِكُمْ كَرِهَ الْيَكْمِ الْكُفْرُ وَ الْفُسُوقُ وَ الْعَصِيَانُ. بعد حضرت در روایتی معنا کردند که حقیقت ایمان امیرالمومنین است و هرکس دیگری اگر مومن است ایمانش حب ایمان است. ما حب الایمان داریم. امیرالمومنین حقیقت ایمان هستند و ایمان ما یعنی حب الایمان. انسان اگر کلمه‌ی ایمان را دوست بدارد این حب همان حب الله است. من احبکم فقد احب الله. خدای متعال معصومین را باب خودش قرار داده است و اگر کسی بخواهد در وادی معرفت خدا شود باید از باب توحید وارد شود. اگر کسی می‌خواهد در وادی محبت الهی سیر کند باید در سبیل محبت الهی قدم بگذارد. این سبیل هم همان معصوم است. در حدیث مفضل آمده است که ان الله يحب ان..... گاهی تعبیر لطیفی از ائمه نقل شده که ان الله خلتنا بنفسه. خدای متعال ما را با خودش یکی کرده است. طبعاً معنا

این نیست که خداوند جسم است یا العیاذ بالله معصومین خدا هستند ولی باید درایت روایت داشت و سعی کرد پرده از روایت کنار زد و باطن کلام معصوم را انسان بفهمد. و جعلنا ولایتنا ولایت. امام در چه مقامی است که خدای متعال ولایت او را عین ولایت خودش قرار داده است. این حدیث در تفسیر علی ابن ابراهیم ذیل آیه فطرت آمده است که این فطرت توحید است. در روایت دیگری این فطرت را تفصیل داده است. امام صادق تفصیل داده اند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله و سپس حضرت فرمودند الی ههنا التوحید.

امام، صراط مستقیم الهی

ان الله يحب ان يعرف بالرجال و اگر کسی میخواهد اطاعت خدا کند باید اطاعت امام کند. خداوند اراده کرده است که از طریق امام با محبت الهی آشنا شود. اصلا دوئیتی نیست و محبت امام همان محبت الهی است. من احبکم فقد احب الله. لذا این صراط مستقیمی که باید در آن حرکت کنیم در روایت به دو چیز معنا شده. یکی صراط معرفت و یکی صراط محبت. اگر کسی وارد وادی صراط مستقیم شد هر قدمی که بر میدارد هم معرفتش به خدا بیشتر می شود و هم

محبتش. در حدیث معانی الاخبار حضرت فرمودند صراط مستقیم طریق معرفت است و هو الامام علیه السلام. اگر کسی در صراط مستقیم قرار گرفت هر قدمی که بر میدارد محبتش به خدا بیشتر می شود و رزقشان محبت است و همه کارهایشان محبت افزا می شود. سیر با امام سیر با محبت است و سیر با معرفت است. در تفسیر علی ابن ابراهیم آمده است که اگر دیدید کسی دچار شرک خفی شده است بدانید در ولایت ما شرک ورزیده است.

حال راه رسیدن به محبت امام چیست؟ انسان چه کند که حب الامام در وجودش بیاید؟ خداوند متعال و خلیفه اش همیشه با ما هستند، ما چه کنیم که با امام خودمان باشیم؟

اجمالش این است که ابراهیم خلیل به مقام خلت رسید چون زیاد به محمد و اهل بیتش صلوات فرستاد.

السلام علیک یا ابا عبد الله...

گفتار
۵

ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین

در این جلسه استاد پس از بیان مقدمه ای از جلسات قبل و ذکر این نکته که روابط در جامعه مومنین بر اساس حب امام و سرریز شدن آن در جامعه که تبدیل به محبت بین مومنین می شود پرداختند. در ادامه جلسه یکی از مهمترین ارکان ارتباط بین مومنین که ارتباط مالی بین مومنین است بر اساس همین نگاه بررسی شد و تفاوت های آن با روابط مالی در جوامع غربی علی الخصوص سیستم تامین اجتماعی و مالیات بررسی شد. در بخش پایانی سخنرانی نیز استاد به مناسک لازم در این روابط مالی اشاره کردند که اجتناب از منت گذاشتن و بدهکار دانستن خود در برابر معصوم از اصلی ترین این مناسک بود.



خلاصه جلسات قبل

یکی از رزق‌های خاصی که در این ایام بین دوستداران حضرت داده می شود مقام محبت الهی هست. ظرفیت رسیدن به مقام محبت الهی در ما هست و ما موظف به این هستیم که به اینجا برسیم. مقام محبت الهی همان مقام اخلاص حقیقی است. مخلصین حقیقی همانهایی هستند که پاداششان هم مقام رضوان الهی هست.

راههایی برای رسیدن به این محبت ذکر شد و آثاری هم برای این مقام ذکر شد. یکی از راههای رسیدن به محبت الهی و شاید راهی که بقیه راهها هم به آن ختم می شوند، محبت معصومین است که من احبکم فقد احب الله. اگر کسی به مقام محبت الهی و اولیای الهی رسید به مقامی می رسد که الحب لله و والبغض لله یا به عبارت دیگر المتحابون فی الله.

محبت به اولیای خدا تبدیل می شود به محبت بین مومنین. گاهی رشته ی محبت بین مومنین انقدر زیاد می شود که اگر مومنی آن طرف دنیا متاثر شود مومنی این طرف دنیا غصه دار می شود. در

کتاب ایمان و کفر کافی روایت داریم که المومن اخ المومن من ابيه و امه ابوه نور و امه الرحمه. مومنین با هم برادر پدر مادری هستند نه برادران قراردادی. مومنین از یک رشته نور و در یک وادی رحمت رشد کردند. اگر رابطه بین مومنین بر اساس محبت الهی نباشد ارتباط نفسانی می شود و در این ارتباطات هرکسی نفع خودش را می خواهد و اگر محبتی هم میکند محبت نیست بلکه طمع است لذا در چنین جامعه ای همه دنبال منافع مادی خودشان هستند. ما باید به نقطه‌ای برسیم که امام خودمان و خدای خودمان را دوست بداریم و به خاطر این محبت برای مومنین فداکاری بکنیم.

ارتباط مالی بین مومنین

یکی از این ارتباطات بین مومنین که اشاره وار مطرح میکنم و بسط آن بماند برای بعد ارتباط مالی بین مومنین است. برای ارتباط مالی بین مومنین سه نوع فداکاری ذکر شده است. انفاق، مواسات و ایثار. انفاق یعنی در مال خودش حقوقی برای دیگران قائل است و آن را هم وظیفه خودش می داند. مواسات یعنی به جایی می رسد که خودش و دیگران را یکسان می داند. ایثار یعنی خودش گرسنه می ماند که بقیه سیر باشند. این دیگر شأن معصوم است. و یو ثرون علی

انفسهم ولو کان بهم خصاصه. و یطعمون علی حبه مسکینا و یتیمًا و اسیرًا. این ارتباط خیلی بهتر از تأمین اجتماعی که به زور مالیات می گیرند و آنرا بین فقرا تقسیم میکنند. در این رابطه رشدی ایجاد نمی شود. بر خلاف رابطه بین مومنین که هم دهنده و هم گیرنده رشد می کنند. این فقط در ارتباط مالی هم نیست. برای مثال برای انیکه فرزندان ذیل عاطفه پدر و مادر تربیت شوند بچه ها را در مهد کودک می گذارند و رابطه محبت آمیز بین پدر و مادر تبدیل بشود به رابطه خشک حقوقی که فردی پول بگیرد و از فرزندان مراقبت کند.

تعبیر دیگری قرآن دارد که در سوره فجر وقتی داستان فراعنه را میگوید که چرا طغیان کردند قوم فرعون و عاد و ثمود؟ ریشه این را قرآن توضیح میدهد. فاما الانسان اذا ما ابتلاه و قدر علیه رزقه.... انسان دچار یک اشتباه محاسباتی میشود و این اشتباه محاسباتی سبب طغیان می شود. بعضی ها فکر میکنند امکانات مادی موجب کرامت است.

آدمی که فکر میکند ثروت و قدرت کرامت است سبب می شود که اینها را برای خود جمع کند و حتی حق بقیه را هم برای خودش

بگیرد. در حالی که کرامت یعنی امکاناتی که خدا به شما می دهد را در راه خدا خرج کنی. حواله های خدا را اجابت کنی. دستهایی که به سمت شما دراز می شود را کریمانه پر کنی. کسی که امکانات را از خدا می گیرد و در راه خدا خرج می کند این جور آدمی کریم می شود. لذا امکانات برای آنها سبب طغیان نمی شود.

حدیثی داریم که من رزقه الله حب الائمة من اهل بیتی فقد اصاب خیر الدنیا و الاخره و لایشکنه احد انه فی الجنة. اگر کسی به محبت امام رسید شک نکنید که وسط بهشت است. و فرمود این مقام ۱۰ خاصیت در دنیا دارد و ۱۰ خاصیت در آخرت. اولین خاصیت دنیا زهد است. زهد را امیر المومنین در توحید صدوق تعریف کردند. فقد خرجت الافراح و الحزان من قلبه چگونه انسان می تواند فارغ شود؟ باید سینه ی بزرگی بین این دو دست باشد. انسان از این دست بگیرد و با آن دست بدهد و نه وقتی می گیرد خوشحال می شود و نه وقتی می دهد ناراحت می شود. فقط خوشحال است که این وسط بندگی کرده است. عده ای دنیا را اینگونه می بینند که درست از خدا بگیرد و درست در راه خدا خرج کند. لذا وقتی آبروی خودش را هم در راه خدا می دهد

آنچنان کریمانه می دهد که طرف هیچ احساس بدهکاری نمی کند. مثلاً هیچ وقت فرزندان نسبت به پدر و مادر احساس بدهکاری نمی کنند. اتفاق کردن مهم است و از آن مهتر ادب اتفاق است.

آخرین اثر محبت اهل بیت هم در دنیا سخا است. آدم بخیل از جمع امکانات لذت می برد و آدم جواد از اینکه دستش باز است و از خدا می گیرد و به دیگران می دهد خوشحال است. وقتی انسان امکانات را از خدا می گیرد و به خدا می دهد، انسان خودش در این داد و ستد با خدا رشد می کند نه اینکه فقط امکاناتش رشد کند. در این داد و ستد در راه خداست که همه رشد می کنیم. یکی آبرو دارد و باید در راه خدا برای مومن خرج کند و دیگری که مال دارد باید مالش را در راه این یکی خرج کند. در این داد و ستد درنگ هم نباید کرد. هرچه زودتر انسان باید امکانات را بگیرد و خرج کند. هرچه نگه دارد ضرر کرده است. فرمود ما عندکم ینفد و ما عند الله باق.

مناسک داد و ستد با خدا

آن وقت این داد و ستد مناسکی هم دارد. لا تبطلو صدقاتکم بالمن و الذی. اگر بناست این کار را بکنی قول معروف و صدقه خیر من صدقه یتبعها الاذی. اگر برای خدا کار می کنید باید کریمانه کار

کنید. خدا کار خوب را می‌پذیرد. بعضی‌ها کار خوب می‌کنند ولی این کار را خوب نمی‌کنند. فرمود اگر می‌خواهید کار خیری برای کسی کنید چند ویژگی را رعایت کنید. اول اینکه عجله کنید و به تاخیر نیندازید. دوم اینکه منت نگذارید و سوم اینکه خودتان کار خودتان را مهم ندانید و الا طلبکار میشوید.

مومنین رابطه‌شان فقط با امام است و مومنین را هم عائله امام می‌بینند. حدیثی از نبی اکرم در شان نزول آیه من جاء بالحسنه فله خیر منها. حضرت دعا کردند که خدایا اگر می‌شود ثواب مومنین را اضافه کنید. این آیه آمد که من جاء بالحسنه فله عشر امثالها بزم حضرت تقاضا کردند که خدایا باز هم بیشتر. آیه آمد که من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا فیاضغهضاعفا کثیره. فقد خدا یک شرطی گذاشت. اگر مومنین بتوانند با خدا داد و ستد کنند و نیکو هم این کار را انجام دهند من بی حساب و کتاب پاداش می‌دهم. معنای ظاهری آیه و قرض حسن که مشخص است ولی معنای باطنی آن را در روایات تعریف کرده‌اند به اینکه انسان امکانات را در راه امامش خرج کند. اما حواستان باشد فکر نکنید امام محتاج است. اگر فکر کردید امام

محتاج است مشرک می شوید. قرض حسن یعنی اینکه انسان امکاناتش را در راه امام خرج کند و در این خرج کردن هم خودش را بدهکار امام بداند و خوشحال باشد از اینکه توفیق پیدا کرده است امکاناتش را در راه امام خرج کند.

خودش را بدهکار امام بداند. حتی اگر جانش را هم در راه امام بدهد امام را نیازمند جان خودش نداند بلکه خودش را نیازمند این ببیند که جانش را در راه امامش بدهد. اصحاب عاشورایی اباعبدالله اینگونه بودند. وقتی حضرت فرمود بروید من به شما احتیاجی ندارم آنها گفتند ما به شما محتاجیم.

انسان همه امکاناتی که دارد مال و جان و آبرو و قدرت را خرج مومنین کند. مومنین را عائله امام بداند و امکاناتش را خرج عائله امامش کند. انسان اگر طرف حسابش مومن شد، وقتی مال و آبرو را خرج مومنی می کند وی را عائله و حواله امام میبیند، هم امکانات را برای او خرج می کند و هم دست او را می بوسد. مال و آبرو و وقت و عمرش را صرف می کند و در این صرف کردن هم خودش را بدهکار آن مومن می داند و می گوید او حواله امام است. این رابطه رابطه ی

جامعه مومنین است. در جایی که رابطه بر اساس محبت است احساس امنیت هم هست. انسان می‌داند که مومنین در حق او خیانت نمی‌کنند.

گفتار
۶

سیر بابلای سیدالشهداء راه
نزدیک وصول به مقام محبت

متن پیش رو خلاصه‌ای از دهمین شب سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین میرباقری در محرم الحرام ۱۴۳۵ در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام است. ایشان در این جلسه که مصادف با شب عاشورای حسینی نیز بود به بیان مقام محبین پرداختند و آثار این مقام را توضیح دادند. ایشان سیر با بلای سید الشهداء علیه السلام را نزدیک ترین و سریع ترین راه برای وصول به مقام محبت دانستند و افزودند مقام محبت ثمره تسلیم بودن در برابر امام و تطهیر در وادی ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد.



چنانکه با تکرار رمضان، درهایی از قرآن باز شده ارزاق قرآنی فروفرستاده می شود، هر سال با تکرار محرم نیز، نسیمی از عاشورای سیدالشهدا در عالم می وزد که با آن بلا تجدید شده و سلوک با بلای حسین علیه السلام برای مومنین هموار می شود، و رزقهای خاص حسینی مانند بکاء و اشک و زیارت تقسیم می گردد.

محبت، رزق نهائی

در سیر معنوی، بالاترین درجه، محبت خداست و اگر مقام رضا را بالاترین درجه دانسته اند بدین جهت است که از لوازم محبت است، زیرا محبت اخلاص و شکر و صبر نسبت به تقدیرات خداوند متعال به همراه دارد، چنانکه امام باقر علیه السلام در جواب جابر که به حضرت عرض کرد من فقر را بر غنی و بیماری را بر صحت ترجیح می دهم، فرمودند لکن ما آنچه خداوند متعال برایمان مقدر کرده دوست داریم و به آن راضی هستیم و این همان مقام اخلاص در محبت است که رضایت به تدبیر خداست و از مقدرات خداوند متعال لذت می برد، و به

همین جهت در روز عاشورا هر مقدار که بلا سنگین تر می شد، سیدالشهداء بشاشتر و چهره شان فروخته تر می گردید.

درجه محبت، مقامیست که خداوند متعال گاهی با ترغیب «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵) (اهل ایمان محبتشان به خدا از همه بیشتر است) و گاهی با تهدید «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (بقره/۲۴) تمام مومنین را به آن فراخوانده است، لذا مومن نباید نسبت به مقام محبت بی تفاوت باشد.

رسیدن به مقام محبت، راههای متعددی دارد، گاهی با عبادات و ریاضتهای طولانیست، و گاهی نیز با حرکت و سیر با بلاست، که باب الحسین هم اوسع است و هم اسرع، زیرا با بلای سیدالشهداء علیه السلام، درهای محبت الهی به روی همه عالم حتی انبیاء و اولیاء گشوده شده است، و این راهی بود که یاران سیدالشهداء طی کردند، زیرا یک روی عبادت و بلای آن حضرت، جذبه های محبت خداوند

متعال بود، و لذا همراهان سیدالشهداء، غرق در محبت خداوند متعال بودند، و رزق مهمم ما نیز از عاشورا همین محبت است، که آخرین مرحله و بالاترین درجه، از مراحل سه گانه تسلیم و تطهیر و تنویر است؛ تنها کار متوقع از ما، تسلیم شدن در برابر اهل بیت است، و آنگاه انسان در دستگاه اهل بیت تطهیر شده و آلودگی ها و قید و بند شیطان از او باز می شود، و بعد از تطهیر آماده دریافت انوار ولایت و غرق شدن در محبت خدا خواهد بود چنانکه روایت مشهور ابو خالد کابلی به این مراحل اشاره دارد.

آثار محبت اهل بیت

محبت اهل بیت، آثار عظیمی دارد که در روایتی که مرحوم صدوق در خصال از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، به بیست اثر آن اشاره شده است که ده اثرش مربوط به دنیاست، و حضرت تاکید فرموده اند که انسان محب به تمام خیر دنیا و آخرت دست می یابد و هیچ خیری از او فوت نمی شود، و شکی نیست که اهل بهشت است^۱

۱. « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَسْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرُونَ [عَشْرِينَ] حَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْجَرُّصُ

اولین اثر زهد است؛ امیرالمومنین مردم را در قبال دنیا به سه دسته تقسیم کرده اند، راغب که به هر قیمتی به دنبال دنیا است ولو به حرام، و صابر که گرچه دلش می‌خواهد اما خود را نگاه می‌دارد، و زاهد که هرگز میلی به دنیا ندارد و در راحتی کامل است^۱، و همچنین امام صادق فرمودند تا قلوب شما زاهد در دنیا نشده باشد چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است، لذا زهد درجه ای بالاست که به آسانی به دست نمی‌آید، لکن مطابق این حدیث محبت اهل بیت عصمت، انسان را زاهد می‌نماید.

انسان محب، اعمال نیک خود را ناچیز شمرده و حرص بر عمل دارد، و متزین به ورع بوده و رغبت فراوانی به عبادت خداوند متعال

عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعِ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةِ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةِ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطِ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيَهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ...»، خصال، ج ۲، ص ۵۱۵

۱. «وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّاسَ ثَلَاثَةٌ زَاهِدٌ وَصَابِرٌ وَرَاغِبٌ فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَحْزَانُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَإِنَّهُ فَهْوٌ مُسْتَرِيحٌ وَأَمَّا الصَّابِرُ فَإِنَّهُ يَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ فَإِذَا نَالَ مِنْهَا الْجَمَّ نَفْسُهُ عَنْهَا لِسُوءِ عَاقِبَتِهَا وَشَتَائِهَا لَوْ أَطْلَعَتْ عَلَى قَلْبِهِ عَجِبَتْ مِنْ عَفْوِهِ وَتَوَاضُّعِهِ وَحَزْمِهِ وَأَمَّا الرََّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْيَا مِنْ حِلِّهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا»، کافی، ج ۲، ص ۴۵۶

دارد، و قبل از مرگ موفق به توبه خواهد شد؛ توبه مقام بلند است که به آسانی به دست نمی آید، زیرا توبه لفظ نیست بلکه جمع کردن قوای منتشر شده در دنیا و بردن آن به سمت خداست و تنها پس از خروج محبت دنیا به طور کامل از قلب انسان، محقق می شود، چنانکه در دعای ابو حمزه ثمالی به این مطلب اشاره شده است^۱

انسان محب، نه تنها اهل قیام شب است، بلکه در تهجد شبانه با نشاط است، « تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ » (سجده ۱۶)، و نیز چشم به اموال دیگران نمی دوزد، زیرا طرف معامله اش خداست لذا هرگز حسد در آنها راه ندارد؛ همچنین حافظ حدود الهیست و نسبت به دنیا بغض دارد؛ که البته منظور از دنیا، جهان طبیعت نیست، بلکه چنانکه حضرت فرمودند منظور از آخرت ولایت اهل بیت عصمت و منظور از دنیا ولایت دشمنان آنهاست^۲، فلذا اگر کسی اهل ولایت

۱. «سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ انْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ»، مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۵۹۱

۲. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ- بَلْ تُؤَيِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا قَالَ وَلَا يَتَهُمُ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى قَالَ وَلَا يَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»، کافی، ج ۱، ص ۴۱۸

اهل بیت باشد، مشغول به هر کاری از امور زندگی هم که باشد در حقیقت در بهشت است، و اگر کسی از ولایت ائمه خارج شود تحت ولایت ائمه جور قرار می‌گیرد، و در حقیقت در جهنم قرار دارد «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمُ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴)، چنانکه وقتی ابوخالد کابلی نزد امام باقر غذای بسیار لذیذی تناول کرد، حضرت به او فرمودند آن نعمتی که خداوند متعال روز قیامت بر اساس آیه «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکاثر/۸) سوال میکند، این خوردنی‌ها نیست، بلکه مراد ولایت ما اهل بیت است^۱

دهمین اثر محبت اهل بیت در دنیا که از همه مهمتر است، سخاست که به معنی گذشتن از همه چیز در راه محبوب است، و اینکه انسان همه جا به راحتی اموالش را صرف میکند و تنها در راه خدا دستش می‌لرزد نشانه نرسیدن به مقام محبت است، لذا حضرت در جواب کسی که با استدلال به یاران فراوان امام، آنحضرت را به قیام تشویق می‌کرد، قیام را منوط به رسیدن مومنین به مقام سخا دانستند که بدون اطلاع از اموال یکدیگر برداشته و مصرف نمایند، لذا محب

۱. « قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَا إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ »، کافی، ج ۶، ص

اهل بیت به راحتی جانش را در راه محبوبش فدا میکند و مانند اصحاب سیدالشهداء، هیچ ابائی از این کار ندارد، و این نوع فداکاری با حب الجنه به دست نمی آید و تنها با محبت اهل بیت دست یافتنی است، لذا امام حسین به سعید بن عبدالله که هنگام اقامه نماز توسط آنحضرت، حاضر شد سیزده چوبه تیر مسموم را به جان بخرد فرمودند: تو در بهشت در مقابل من هستی^۱، که این رزق به همه ما که در عزای سیدالشهداء حاضریم، داده شده لکن باید آن را با ناب و خالص کرده و به درجات بالای آن رسانید.

۱. «قَالَ نَعَمْ أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ»، بحار، ج ۴۵، ص ۲۲